

روش‌های اجرایی هدفمند کردن یارانه‌ها تاکنون شناسایی نشده است

اشاره:

یارانه در اقتصاد ایران و در بخش‌های تولید، مصرف و خدمات عمومی ریشه تاریخی پیدا کرده است. وجود درآمدهای نفتی که با سرمایه‌گذاری اولیه نه‌چندان سنگین، سال‌ها ارزآوری و سود برای اقتصاد کشور داشته، حکومت را برای جلب رضایت مردم به بهره‌گیری از یارانه تشویق کرده است. نگاه به پرداخت و توزیع یارانه‌ها در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر به لحاظ ضرورت توجه به محرومان و مستضعفان جامعه بوده، لیکن توزیع عمومی یارانه‌ها سبب شده که میزان برخورداری این اقشار از یارانه‌های توزیعی با اهداف تخصیص یارانه‌ها، مغایرت پیدا کند.

در سومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، بحث هدفمند کردن یارانه‌ها و ارایه طرحی برای آن مورد توجه قرار گرفته است، اما تاکنون در این زمینه راهکارهای مشخصی ارایه نشده، اگرچه مطالعات وسیعی در حول این مقوله صورت گرفته است.

با توجه به آثار مثبت و منفی توزیع یارانه‌ها، کارشناسان بحث هدفمند کردن یارانه‌ها را ایده‌ای معقول و اقتصادی تلقی می‌کنند، اما یک سوی قضیه نیز قطع یارانه‌های پیدا و پنهان در اقتصاد ایران است که خود مباحثاتی را به دنبال دارد. خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» در گفت و گو با دکتر حسین عظیمی استاد دانشگاه، ریشه تاریخی پرداخت یارانه در ایران، تأثیر یارانه‌ها در رفاه اجتماعی و رقابت‌پذیری فعالیت‌ها، آثار و پیامدهای هدفمند کردن یارانه‌ها و ... را به بحث گذاشته است. ماحصل این گفت و گو را با هم می‌خوانیم.

- دلایل ورود یارانه به اقتصاد ایران را اعلام فرمایید؟
- جامعه ایران به دلایل متعدد جامعه‌ای است که حجم وسیعی از یارانه‌های پرداختی به آن وارد شده است. پرداخت یارانه در جامعه ایران دلایل مختلفی دارد.
- ۱- از گذشته‌های دور جامعه دچار محرومیت‌های وسیعی بوده است.
- ۲- ساختارهای حکومتی گذشته ایران از پایگاه قدرتمندی برخوردار نبوده‌اند و لذا برای جذب
- ۳- اقتصاد ایران طی دهه‌های متمادی اقتصادی، متکی بر بخش نفت و درآمدهای هنگفت حاصله از این
- مردم به طرق مختلف از جمله به سوی توزیع یارانه گام برداشته‌اند.

بخش بوده و این امکان را داشته است که یارانه‌ها را از طریق درآمدهای نفتی تأمین کند و افزایش دهد. ۴- با پیروزی انقلاب اسلامی، ریشه‌کنی فقر و محرومیت یکی از مبانی اصلی جامعه اسلامی بود. در این رهگذر نگرش پرداخت یارانه به محرومان تقویت گردیده است. این مجموعه از عوامل باعث گردیده که حجم بسیار وسیعی از یارانه‌ها در ایران پرداخت شود. محاسبات شخصی بنده نشان می‌دهد، سهم یارانه‌ها به اشکال مختلف به صورت بیمه‌های اجتماعی، کمک‌های مستقیم دولتی و... در مجموعه نظام تأمین و رفاه اجتماعی ایران به حدود ۴۰ درصد تولید ملی بالغ می‌شود. این حجم از یارانه به طور نسبی بسیار قابل توجه است. ضمناً باید تأکید کرد که یارانه در بسیاری از زمینه‌ها که شاید روی آنها در سطح جامعه کمتر فکر می‌شود، ایجاد شده و به تدریج گسترش یافته است. برای مثال محاسبات نشان می‌دهد توزیع غذای یارانه‌ای نهادینه شده در جامعه ایران در هر روز احتمالاً بالغ بر ۵ میلیون غذا می‌شود. به عنوان مثال، برای کاهش هزینه دانشجویان و تأمین معیشت آنان احتمالاً روزانه برای حدود ۲/۵ میلیون نفر غذای یارانه‌ای توزیع

می‌شود. البته در بسیاری از ادارات و به همین گونه در نیروهای مسلح، در کارخانه‌ها احتمالاً به دلیل کمبود سطح حقوق، غذای یارانه‌ای توزیع می‌گردد. در زمینه نان نیز یارانه وسیعی پرداخت می‌شود. در زمینه نفت و انرژی نیز قیمت‌ها پایین نگه داشته شده و به منظور کمک به مردم، یارانه آشکار و پنهان فراوانی در این زمینه وجود دارد. به طور کلی ملاحظه می‌شود که اقتصاد ایران در شرایطی است که در آن حجم یارانه‌ها فوق‌العاده زیاد است. در عین حال دستگاه‌هایی که درگیر سازماندهی این یارانه‌ها هستند، بسیار وسیع و مستعد می‌باشند. از جمله این دستگاه‌ها می‌توان به کمیته امداد حضرت امام (ره)، بنیاد مستضعفان، سازمان بهزیستی، سازمان تأمین اجتماعی، سازمان غله و ... اشاره کرد. در کنار این سازمان‌ها، مجموعه دیگری از نهادهای عمومی مانند حوزه‌های علمیه و واحدهای اقتصادی وابسته به آنها نیز بخش قابل توجهی از پرداخت یارانه را برعهده دارند. ملاحظه می‌کنید که ایران جامعه‌ای است که از دیدگاه پرداخت یارانه دارای سابقه‌ای وسیع است، یارانه در جامعه ایران دارای حجم و تنوع عملیاتی فراوان است و همچنین دارای تنوع نهادها است و به طور

خلاصه یارانه در «رگ» و «پی» جامعه ایران ریشه دوانده است. آنچه که می‌توان نتیجه گرفت، این است که وقتی چنین ساختاری در جامعه‌ای ایجاد می‌شود و این ساختار به صورت تدریجی و بر اساس ضرورت‌های مقطعی شکل می‌گیرد و به عبارتی در دامن یک نظام جامع نیست، به طور حتم مشکلاتی پیدا می‌شود. این مشکلات به طور عمده ناشی از نظام‌مند نبودن این مجموعه است. برای مثال در موضوع نان، به تدریج مشکلاتی ایجاد شده است در این زمینه از یک سو حجم یارانه بسیار زیاد است، از سوی دیگر موضوع یارانه نان در بخش‌هایی از کار با فساد مواجه شده است. در همین حال بحث کیفیت نان و قاچاق آرد نیز مطرح است، لذا هر چند یارانه نان به صورت ضرورت است، ولی در عین حال مشکلات فراوانی به وجود آورده است. پس به طور خلاصه باید گفت که پرداخت یارانه‌ها در ایران دارای سابقه‌ای بسیار طولانی است، حجم عملیاتی آن بسیار گسترده است، خدمات ارایه شده دارای تنوع بسیار زیادی است و همگی این مجموعه در جامعه نهادینه شده است. این مجموعه وسیع همراه با مسایل و مشکلاتی که در بطن آن، این مجموعه ایجاد شده، نمایانگر آن است که با موضوعی پیچیده روبرو هستیم و

دست مصرف‌کننده برسد. در عین حال در شرایط این کشور که در آن نظام اقتصادی به نحوی ساماندهی شده است که بازار تولید و عرضه شیر می‌تواند بازار رقابتی باشد و در صورت سودآور بودن سرمایه‌گذاری وسیعی را به خود جلب نماید. دولت یارانه موردنظر را مستقیماً به مصرف‌کننده نمی‌دهد، بلکه بر اساس مجموعه‌ای از محاسبات، یارانه را به تولیدکننده پرداخت می‌کند و او را در تولید و عرضه شیر آزاد می‌گذارد. در این وضعیت تولید شیر زیاد می‌شود، اشتغال و ارزش افزوده بالا می‌رود و ضمناً شیر بسیاری مصرف‌کننده نیز ارزان می‌شود.

تأکید می‌کنیم که این وضعیت پیش می‌آید، چون اولاً مقدار یارانه پرداختی به تولیدکننده بر اساس محاسبات دقیق به نحوی که تولید شیر را نسبت به سایر کالاها سودآور می‌کند، یعنی تولید شیر به نسبت سایر کالاها سودآوری بالاتر را به دست می‌داد، صورت گرفته بود. به علاوه دولت دقت داشت که وضعیت رقابتی در بازار مزبور حفظ شود و لذا با توجه به سودآور بودن و رقابتی بودن، منابع زیادی به تولید شیر سرازیر شد. در ضمن امکان کنترل مقدار تولید برای دولت وجود داشت، زیرا اکثر قریب به اتفاق واحدهای تولید شیر واحدهای صنعتی بودند. پرداخت یارانه به تولیدکننده در چنین وضعیتی بهترین حالت است.

و این کمیات در ذهن بنده نیست. با این همه می‌توانم اشاره کنم که محاسبات بودجه نشان می‌دهد که در سال حدود ۲۵ درصد از کل بودجه عمومی کشور مصروف پرداخت انواع یارانه‌ها و پرداخت‌های مربوط به نظام تأمین اجتماعی تخصیص می‌یابد.

برای مثال اگر بودجه عمومی کشور در یک سال حدود ۱۰۰ هزار میلیارد ریال باشد، ۲۵ هزار میلیارد ریال آن به پرداخت‌های مربوط به مجموعه نظام تأمین اجتماعی و از جمله یارانه‌ها تخصیص می‌یابد.

■ آثار اقتصادی یارانه‌های توزیعی به بخش‌های مصرف، تولید و خدمات چگونه بوده است؟

□ اثرات پرداخت یارانه تا حدود زیادی به شیوه‌های اجرایی این پرداخت بستگی دارد.

در بخش‌هایی از اقتصاد، ممکن است یارانه به تولیدکننده پرداخت شود و تولیدکننده مجبور باشد که در نهایت این یارانه را به مصرف‌کننده منتقل کند. این وضعیت از نظر اقتصادی زمانی پیش می‌آید که بازار، بازار رقابتی باشد و امکانات وسیع سرمایه‌گذاری نیز در جامعه وجود داشته باشد.

به عنوان مثال در جامعه انگلیس طی سال‌های متمادی شیر به عنوان یک کالای یارانه‌ای تلقی می‌شد، چرا که دولت به این نتیجه رسیده بود که چون شیر غذای اصلی به ویژه برای کودکان است، باید با قیمت ارزان به

لذا مسایل یارانه را نمی‌توان در ظرف مدت کوتاهی حل و فصل و مشکلات آن را به سرعت مرتفع ساخت. برای حل و فصل مشکل یارانه‌ها باید با صبر و حوصله این مجموعه را مورد بررسی دقیق و تفصیلی قرار داد و به راه‌های اجرایی سنجیده رسید.

■ سابقه تاریخی یارانه را به طور مختصر بیان بفرمایید؟

□ اگر به سابقه تاریخی یارانه در ایران بازگردیم، شاید به سه هزار سال قبل برسیم. اما در دنیای مدرن، همراه با انقلاب مشروطه، بحث یارانه‌ها در ایران شروع شد و ابتدا بحث نان و کمک به صنعتی شدن جامعه مطرح بود. اما به تدریج یارانه‌های متنوع مصرفی و تولیدی شکل گرفت و به وضعیت بسیار گسترده امروزی رسید.

■ تعریف یارانه در علم اقتصاد چیست؟

نا یارانه برابر کلمه «سوبسید» است و به معنای آن است که دولت کالا یا خدمتی را با کمک‌های مالی برای مصرف‌کننده یا تولیدکننده ارزان کند، به دیگر سخن پرداخت مشخص از سوی دولت برای آن که کالا یا خدمتی برای مصرف‌کننده و یا تولیدکننده ارزان‌تر ارایه شود را یارانه می‌نامند.

■ در برنامه‌های اول و دوم توسعه چه میزان یارانه به بخش‌های اقتصادی مختلف تعلق گرفت؟

□ کمیات دقیق مربوط به یارانه‌ها را باید از کتب ذیربط یادداشت کرد

پس در جامعه‌ای که واحدهای تولیدی، واحدهایی صنعتی شده هستند، امکان دریافت اطلاعات صحیح وجود دارد، رقابت امکان‌پذیر است و موانع ساختاری برای سرمایه‌گذاری وجود ندارد. در چنین جامعه‌ای شیوه پرداخت یارانه به تولیدکننده یک شیوه مطلوب است و به تولیدکننده کمک می‌شود و تولیدکنندگان با هم به رقابت برمی‌خیزند و در نتیجه تولید و ارزش افزوده رشد می‌کند و قیمت برای مصرف‌کننده کاهش می‌یابد. بنابراین در نهایت منافع مصرف‌کننده نیز تأمین می‌گردد و در شرایطی که تولیدکننده نیز از نتایج تلاش تولیدی خود منتفع می‌شود، اشتغال نیز افزایش می‌یابد.

در ایران، متأسفانه چنین شرایطی در اکثر بازارها وجود ندارد و لذا عمده یارانه‌ها به تدریج به طور مستقیم معطوف به مصرف‌کننده شده است. پرداخت یارانه نان یکی از مثال‌های مشخص شیوه پرداخت یارانه در ایران است.

در یارانه نان، گندم همیشه به قیمت تحمیلی از تولیدکننده خریداری شده و به قیمت ارزان به نانوا داده شده است. در دوره قبل از انقلاب قیمت خرید گندم از داخل حدوداً برابر قیمت خرید گندم از خارج بر اساس دلار ۷۰ ریال بود، و چون این قیمت ارز قیمتی بسیار پایین بود، و لذا قیمت خرید داخلی

گندم نیز پایین محاسبه می‌شد. این امر باعث شده بود که انگیزه تولید گندم ضعیف شود، تولیدکننده نیز چاره‌ای جز قبول همین قیمت نداشت، چرا که اگر نمی‌پذیرفت که گندم خود را به همین قیمت ارزان بفروشد، دولت کمبود گندم را با نرخ ارزان از خارج وارد می‌کرد و بازار اشباع می‌شد، در نتیجه تولیدکننده گندم داخلی نیز مجبور می‌شد با قیمت پایین، گندم خود را به فروش برساند.

دولت گندم خریداری شده را با مختصری یارانه به آرد تبدیل می‌کرد. این آرد را ارزان به نانوا می‌داد، قیمت نان را کنترل می‌کرد و به این صورت قیمت نان را ارزان نگه می‌داشت. این امر به تولیدکننده ضربه می‌زد، ولی نان ارزان را در دسترس مصرف‌کننده قرار می‌داد.

پس از انقلاب اسلامی این روند ادامه یافت، اما به تدریج با گران شدن نرخ ارز، هزینه خرید گندم نیز از خارج نیز زیاد شد و این امر باعث شد که قیمت خرید گندم داخلی نیز بالا برده شود. اما باید گفت، افزایش قیمت خرید گندم داخلی عمدتاً بر اثر تورمی که طی این مدت در جامعه به وجود آمد، خنثی شد و سود زیادی به تولیدکننده نرسید. بنابراین هر چند گندم گران‌تر از تولیدکننده داخلی خریداری می‌شود، اما واقعیت آن است که باز هم برای تولید داخلی گندم در مقایسه با سایر موارد، سود

زیادی متصور نیست و باز هم تولیدکننده متضرر می‌شود، ضمن آن که دولت چون در نظر دارد قیمت نان را در حد ممکن ثابت نگه دارد، مجبور شد یارانه پرداختی برای نان را به شدت افزایش دهد.

در عین حال باید تأکید کرد که عی‌رغم این واقعیت که با تلاش دولت نان ارزان در دسترس مردم است، ولی روش پرداخت یارانه نان به تدریج مشکلات دیگری را پیش آورده است. از جمله این مشکلات، این است که نانواها مجبور شدند از کارگر ارزان و غیرماهر در پخت نان استفاده کنند. نتیجه کار، کیفیت بسیار نامطلوب نان تولیدی است، ضعف استفاده از اصول بهداشتی در پخت و توزیع نان، خروج آرد یارانه‌دار از نانوائی‌ها و ... از دیگر مشکلات اینگونه یارانه‌ها است. لذا ضمن آن که مشخص است نتیجه نان یارانه‌ای، رسیدن نان ارزان به دست مردم است، اما مشکلات وسیعی هم در این راستا ایجاد شد که نیازمند رسیدگی عاجل می‌باشد.

در زمینه پرداخت یارانه‌ها به تولیدکننده که به طور عمده در بخش کشاورزی ایران به طور مستقیم و در بخش صنعتی و خدماتی به طور غیرمستقیم صورت می‌گیرد، نیز خیلی موفق نبوده‌ایم. در این رابطه، یارانه عمدتاً معطوف به تهیه عوامل تولید ارزان با ارز ارزان یا اعتبارات بانکی ارزان بوده که عمدتاً به مشکلات

ایجاد رانت انجامیده و توفیق لازم را نداشته است.

در مورد یارانه انرژی بزرگترین مشکل این است که پرداخت یارانه به این بخش به صورت «عمومی» انجام گرفته است، در حالی که این پرداخت باید به صورت «انتخابی» انجام می‌شد.

برای مثال تأمین انرژی به صورت گاز یارانه‌ای برای مصارف خانوارها در کشوری که از منابع غنی گاز برخوردار است، بسیار مطلوب است، زیرا رفاه عمومی را پدید می‌آورد و هزینه‌ای را به دولت تحمیل نمی‌کند، به علاوه که منابع گاز ایران منبع محدودی نیست که به سرعت تمام شود. در ضمن، پرداخت این یارانه باعث می‌شود که سایر هزینه‌های خانوار و کشور از جمله هزینه‌های بهداشتی کم شود چرا که وقتی آب گرم وارد خانه شد، سطح بهداشت بالا می‌رود. اما در باب انرژی، یارانه بنزین می‌تواند آثار دیگری داشته باشد و مثلاً افراد را بر استفاده اسراف‌آمیز از بنزین تشویق کند. این مصرف بی‌رویه به آلودگی هوا منجر می‌شود و مشکلات بهداشتی برای جامعه پدید می‌آورد. به نظر من در زمینه یارانه انرژی باید به این موارد توجه داشت:

۱- حجم واقعی یارانه مستقیم پرداختی بسیار محدود است، زیرا دولت از بودجه عمومی پول زیادی

برای این کار خرج نمی‌کند، بلکه یارانه انرژی، یارانه پنهانی است، یعنی مجموعه ملت به طور مستقیم از منابع زیرزمینی نفتی خود استفاده می‌کند.

۲- در استفاده از یارانه انرژی، به طور عمده از منابعی که مال مردم است، استفاده می‌شود و این منابع باید به صورت ارزان در اختیار مردم قرار گیرد، اما در این زمینه به صورت انتخابی و معقول عمل نشده است. یارانه‌های انرژی باید در زمینه‌هایی که رفاه عمومی را بالا می‌برد، بهداشت را افزایش می‌دهد، آلودگی محیط زیست را کاهش می‌دهد و زندگی را مطلوب می‌سازد، با قدرت پرداخت شود و باید در زمینه‌هایی که در مصرف انرژی درست به صورت وارونه عمل می‌کند، یارانه‌ها قطع شود.

در هر حال با توجه به پیچیدگی‌های مطرح شده در نظام اقتصادی ایران نمی‌توان گفت چه میزان یارانه به تفکیک به بخش‌های مصرف، تولید و خدمات تعلق می‌گیرد، ولی مسلماً بحث مهم در

یارانه در ایران، بحث مدیریت یارانه است.

به طور اصولی در جوامع پیشرفته امروز تأمین اجتماعی شمار بسیاری از افراد جامعه را در بر گرفته است و خدمات چشمگیری را به مردم ارائه می‌دهد. بخشی از این خدمات به صورت یارانه‌ای و بخش دیگر با مشارکت مردم ارائه می‌شود.

برای مثال در جامعه سوئد حدود ۳۶ درصد از کل تولید ملی مصروف نظام تأمین اجتماعی می‌شود. این امر به آن معنا است که به ازاء هر فرد سوئدی ۱۰ هزار دلار در سال، خرج تأمین و رفاه اجتماعی می‌شود. در حالی که کل تولید ملی ایران به ازاء هر ایرانی ۱۵۰۰ دلار در سال است. این ارقام نشان می‌دهد در جامعه سوئد به صورت سرانه، ۶ برابر کل تولید سرانه ایران را بابت یارانه‌های تأمین اجتماعی خرج می‌کنند.

علت آن که سوئد چنین رقمی را برای تأمین اجتماعی مردم خرج می‌کند، آن است که دولت سوئد (و همگی دولت‌های کشورهای صنعتی پیشرفته) درک کرده‌اند، تأمین اجتماعی مردم را نمی‌توان صرفاً و انحصاراً به نظام بازار واگذار کرد، لذا دولت سوئد از محل دریافت درآمدهای مالیاتی هنگفت، چنین هزینه‌ای را تقبل و آن را خرج بهبود وضعیت مردم می‌کند.

بنابراین در کشورهایی چون ایران با وجود آن که باید کوشش کرد که

نظام بازار محور ساماندهی زندگی اقتصادی مردم باشد، و ضمن این که باید سرمایه‌گذاری خصوصی را تقویت کرد، اما باید این آگاهی را داشت که نظام بازار نمی‌تواند زندگی مردم را به نحو مطلوب تأمین کند. به این علت است که در تمامی کشورهای صنعتی جهان بدون استثنا بیش از ۲۰ تا ۲۳ درصد از تولید ملی خرج نظام تأمین اجتماعی می‌شود.

به طور کلی باید گفت: اصل پرداخت یارانه را باید به عنوان یک ضرورت اجتماعی پذیرفت، ولی باید تمام توجه معطوف به چگونگی پرداخت یارانه شود و سامان دادن نحوه پرداخت یارانه‌ها باید محور عنایت باشد.

■ هدفمند کردن یارانه‌ها در برنامه سوم توسعه به چه معنا است؟

□ عنایت به بحث هدفمند شدن یارانه‌ها در برنامه سوم توسعه ناشی از این امر بود که عنوان می‌شد که عمده یارانه‌های تخصیصی در ایران به افراد نیازمند پرداخت نمی‌شود.

برای مثال در یارانه‌ای که برای بنزین پرداخت می‌شود، افراد ثروتمند و فقیر می‌توانند استفاده کنند، اما چون افراد فقیر خودرو ندارند، بخش عمده این یارانه را افراد ثروتمند استفاده می‌کنند.

پس بحث هدفمند کردن یارانه‌ها از اینجا شروع شد که هدف در پرداخت یارانه کمک به اقشار فقیر و محروم است. پس باید یارانه به

نحوی پرداخت شود که اقشار مزبور را دربرگیرد و از پرداخت به افراد متوسط و سطح بالا باید دور شد. به عبارت دیگر باید تغییراتی در نظام پرداخت یارانه ایجاد شود که این تغییرات باعث شود یارانه پرداختی عمدتاً به دست اقشار محروم برسد و قشر متوسط و ثروتمند از آن استفاده نکنند.

این ایده که در برنامه سوم مطرح شد، ایده درستی است، اما مهم این است که روش کار را پیدا کنیم. باید دید با چه روشی این یارانه‌ها می‌تواند توزیع شود که به افراد نیازمند تعلق گیرد. در این زمینه بحث زیادی شده است، ولی هنوز روش درستی برای این موضوع پیدا نشده و به هر حال دستیابی به یک روش صحیح پرداخت یارانه کار ساده‌ای نیست.

به عنوان نمونه، در زمینه روش صحیح پرداخت یارانه نان، پیشنهاد شده است دولت به تدریج مغازه‌های نانوایی آزادپز را توسعه دهد، بدون آن که بین افراد محدودیتی ایجاد کند. افرادی که تمکن مالی بیشتری دارند، چون دنبال کیفیت بهتر هستند به سوی نان‌پزی‌های فانتزی و آزاد می‌روند و لذا خودبه‌خود از گندم یارانه‌ای استفاده نمی‌کنند، اما در این زمینه باز هم مشکلاتی ماندگار خواهد بود و...

به هر حال، به طور اصولی بحث هدفمند کردن یارانه‌ها، بحث درستی

است مشروط بر آن که روش‌های اجرایی آن پیدا شود. تا آنجا که من اطلاع دارم روش‌های اجرایی سنجیده‌ای هنوز برای هدفمند کردن یارانه‌ها نداریم. باید در این زمینه بیشتر کار کنیم و تحقیقات مفصل‌تری داشته باشیم.

■ آیا امکان دارد هدفمند کردن یارانه‌ها در برنامه سوم توسعه به قطع آن منجر شود؟

□ خیر، فکر نمی‌کنم در برنامه سوم توسعه یارانه‌ها قطع شود. زیرا همگی مقامات سطح بالای کشور و از جمله مقام معظم رهبری، رئیس محترم جمهوری و هیأت محترم دولت با قطع یارانه‌ها به شدت مخالفند. این گرایش عملاً نیز با افزایش حجم یارانه‌های پرداختی از سوی دولت نشان داده شده است.

تصور می‌کنم یارانه‌ها به هیچ وجه قطع نخواهد شد و تداوم خواهد داشت، اما دولت کوشش خواهد کرد با روش‌های مختلف به صورت تدریجی به سوی هدفمند شدن یارانه‌ها پیش رود.

■ آیا در زمینه هدفمند کردن یارانه‌ها تحقیقات جامعی صورت گرفته است؟

□ در این زمینه در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و در سایر سازمان‌های ذیربط مطالعات وسیعی صورت گرفته است، اما در حدی که من این گونه گزارش‌ها را دیده‌ام، هنوز در هیچ یک از این

گزارشها، احتمالاً به علت ضعف کار تفصیلی و تحقیقی، راه‌حل‌های لازم به دست نیامده است.

در تهیه این تحقیقات و بررسی‌ها زحمات زیادی کشیده شده و ارقام پرداخت یارانه در سال‌های گذشته اظهار شده است، در ضمن رشد یارانه‌ها در سال‌های متمادی تعیین شده و مشکلات مبتلا به یارانه‌ها نیز عنوان گردیده است. اما مطالعاتی که معطوف به یافتن راه حل‌ها و روش‌های اجرایی به طور مشخص باشد، هنوز انجام نشده و یا به نتیجه نرسیده است.

■ آیا قطع یارانه‌های تولیدی و خدماتی بنیه رقابت محصولات ایرانی در بازارهای خارجی را تضعیف نمی‌کند؟

□ در حال حاضر هم محصولات ایرانی در بازارهای خارجی قدرت رقابتی زیادی ندارند. به طور اصولی صادرات کالاهای ایرانی به دو دسته تقسیم می‌شود. دسته اول صادرات کالاهای سنتی مانند فرش، پسته و دیگر محصولات کشاورزی است که بازارهای صادراتی آنها ناشی از یارانه دولت نیست، بلکه این کالاها عمدتاً به علت پایین بودن دستمزدها در ایران ارزان تمام می‌شود، (زیرا عموم کالاهای سنتی کاربر هستند) و کارگر ارزان باعث می‌شود قیمت تمام شده آنها پایین و لذا قابل صادرات باشند. دسته دوم کالاهای صادراتی ایران مربوط به بخش‌های

صنعتی کشور است که از انرژی ارزان استفاده می‌کنند و سرمایه‌گذاری‌های گذشته در این صنایع نیز با ارز ارزان صورت گرفته است، به این معنی که این صنایع چه در گذشته و چه در حال از یارانه استفاده کرده و می‌کنند.

اگر یارانه‌های این دسته از محصولات صادراتی قطع شود، چون در کوتاه‌مدت هزینه تولید آنها بالا می‌رود، احتمال دارد در بازارهای جهانی با مشکل مواجه شوند.

این موضوع را نیز باید مد نظر قرار داد که در مورد صادرات کالاهای صنعتی تنها بحث یارانه مطرح نیست، دولت در کنار پرداخت یارانه که به طور مثال به صورت انرژی ارزان در اختیار صنعت می‌گذارد، انواع مالیات‌ها و عوارض‌های بیش از حد مرسوم را به صنعت تحمیل می‌کند. لذا باید دید اگر دولت یارانه را قطع و آنگاه مانند دیگر کشورهای صادرکننده به جای آن که مثلاً ۵۰ نوع مالیات و عوارض مختلف از این صنایع دریافت کند، در حد معقول و محدود، عوارض و مالیات دریافت کند، آیا آثار به وجود آمده در زمینه کاهش یا افزایش هزینه و گرفتاری تولید در این صنایع یکدیگر را خنثی نخواهد کرد؟

مطالعات محدود موجود نشان می‌دهد که اگر دریافت این حجم از عوارض و مالیات را از صنعت محدود کنیم و از آن سو یارانه آشکار

و پنهان آن را نیز قطع کنیم، احتمالاً در مجموع، توان رقابتی صنعت در بازارهای جهانی تا حدی بالا خواهد رفت. اما اگر یارانه‌ها را از صنعت قطع کنیم، ولی دریافت مالیات و عوارض متنوع و سنگین از آن را ادامه دهیم، البته می‌توان انتظار داشت که بخشی از صادرات صنعتی کشور در بازارهای جهانی دچار مشکل شود.

■ به جز یارانه کالاهای اساسی چه یارانه‌های پیدا و پنهان در اقتصاد ایران وجود دارد؟

□ یارانه نهاده‌های کشاورزی و یارانه انرژی جزو یارانه‌های پنهان در اقتصاد کشور است.

■ آیا این گونه یارانه‌ها در سرمایه‌گذاری اثر دارند؟

□ به طور مسلم وقتی انرژی ارزان به دست سرمایه‌گذار و تولیدکننده برسد، هزینه‌های تولید پایین می‌آید، به علاوه که دلار تخصیص منابع از دیدگاه رشته‌های صنعتی نیز تغییر می‌کند. لذا مسلماً این گونه یارانه‌ها بر شکل‌گیری ساختار صنعتی کشور مؤثر است و وضعیت خاصی را در صنعت ما به وجود می‌آورد.

□